کرباس خاکستری

### نگاهی به اولین نمایشگاه درختان بون سای در تهران

## هنرمتابولیک

علیرضا امیرحاجبی

■ چند روزی است که گالری کاوه میزبان مجموعه‌ای بسیار زیبا و کم‌نظیر از درختان مینیاتوری مشهور به «بون سای» اثر مهرداد سیداحمدیان شده. بون سای نوع منحصربه‌فردی از پرورش گیاهان به ویژه درختان بومی ژاپن است؛ درختانی که به دلیل زیبایی شگفت‌آورشان هیچ چیز از یک مجسمه کم ندارند.

سیداحمدیان که خود یک گرافیست است در زمینه انگیزه‌هایش جهت پرورش و عرضه این درختچه‌ها می‌گوید: «صرفا به دلیل علاقه شخصی به گیاهان، پرورش بون سای را آغاز کردم. سابقه پرورش گیاهان برای من به دوران دبستان بازمی‌گردد. همان زمانی که برای درس علوم لوبیا می‌کاشتیم. ابتدا چند سالی مشغول پرورش کاکتوس شدم تا اینکه در سال ۸۰ با دیدن یک کاتالوگ ژاپنی به بون سای علاقه‌مند شده و کار را آغاز کردم. البته کاملا تجربی.»

اما سابقه پرورش بون سای به چه زمان بازمی‌گردد؟ سیداحمدیان می‌گوید: «ژاپنی‌ها سابقه‌ای ۸۰۰ساله در این هنر دارند البته سابقه چینی‌ها بسیار بیشتر است. چیزی حدود دوهزار سال، که این را می‌توان در نقاشی‌های معابد چینی و ژاپنی به وضوح مشاهده کرد. پس از جنگ جهانی دوم و با بهبود رابطه ژاپن با جهان آزاد، غربی‌ها هم با هنر پرورش بون سای آشنا شدند.»

این پرورش‌دهنده بون سای در زمینه ریشه‌ها و دلایل ابداع آن می‌افزاید: «کلمه بون سای به معنای کاشتن گیاه در بشقاب است. به دلیل سابقه دیرینه هنر سفالگری و لعاب‌کاری در ژاپن و چین و علاقه زیاد مردم و اشراف به این هنر، آنان به این فکر افتادند تا با پرورش گیاهانی در ابعاد کوچک و کاشت آنها در ظروف از خالی ماندن سفال جلوگیری کرده و به زیباتر شدن این آثار کمک کنند. یعنی بون سای نقش انضمامی داشته و در آن دوران مستقل معرفی نمی‌شد.»

اما سیداحمدیان می‌افزاید: «البته فراموش نکنید که ژاپن کشور صرفه‌جویی است و به علت کمبود جا همه چیز در ژاپن به شکل کوچک تولید و عرضه می‌شود.»

وی در زمینه تعریف شخصی‌اش از پرورش بون‌سای می‌گوید: «بون سای هنر تربیت گیاهان به دست یک باغبان است. کاری کاملا فیزیکی که عوامل دخیل و وابسته به علم ژنتیک در آن هیچ سهمی ندارند. پرورش بون‌سای ۷۰درصد هنری است و فقط ۳۰درصد آن مربوط به مبحث باغبانی و پرورش گیاهان است.» سیداحمدیان در ادامه می‌گوید: «من به دلیل حرفه‌ام یعنی گرافیک، با پرورش بون سای کاملا زیباشناختی برخورد کرده‌ام. باید بگویم مبانی سواد بصری در این کار بسیار مهم و تاثیرگذار است. به نظر من می‌توان بون‌سای را یک مجسمه زنده قلمداد کرد.»

نکته دیگر طراحی و شکل‌دهی به این درختان است. سیداحمدیان می‌گوید: «پرورش‌دهنده بون‌سای الگوهای اصلی خود برای تربیت درختان را از طبیعت الهام می‌گیرد. بنیاد طراحی برای ما خود طبیعت است. جنگل و درختان. یکی از استادان ژاپنی پرورش بون سای می‌گوید که نباید سعی کرد درخت را تبدیل به بون سای کنیم بلکه برعکس باید روح، فرم و خصوصیات درخت در بون سای نمایان‌گر شود. خیلی از پرورش‌دهندگان با طراحی روی کاغذ کار را آغاز می‌کنند. یعنی نوعی پیش‌طرح دارند. اما من کاملا ذهنی و بدون پیش‌طرح کاغذی کار می‌کنم.»

برخی از مخاطبان با دیدن بون سای به این نتیجه می‌رسند که پرورش‌دهنده برای شکل‌دهی، به گیاه فشار وارد می‌آورد. اما این پرورش‌دهنده ایرانی بون سای که علاقه قلبی زیادی به درختانش دارد با رد این نتیجه‌گیری می‌گوید: «من به هیچ‌وجه درصدد آزار گیاهان نیستم و پرورش بون سای را در راستای فشار وارد آوردن به گیاهان نمی‌بینم. چون گیاه در حین تربیت و پرورش کاملا سرحال و شاداب است. نشانه این شاداب بودن، گل دادن آنهاست.» وی در این نمایشگاه مجموعه‌ای از درختان بومی ایران را که با روش بون سای پرورش داده در معرض دید مخاطبان قرار داده است. درختانی مانند انار، اناب، زال‌زالک، سنجد و شیر خشتی که این خود یک ویژگی جالب توجه است زیرا در سراسر جهان درختان بومی ژاپنی تبدیل به بون سای می‌شود. او به آینده این هنر خوش‌بین است و آرزو دارد روزی پرورش بون سای را به صورت حرفه‌ای و جدی ادامه داده و از حوزه گرافیک به‌طور کلی خارج شود. کسی چه می‌داند شاید روزی هنر بون سای در فهرست هنرهای زیبا جای گیرد. علاقه‌مندان در این هفته می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه به آدرس خیابان ظفر، فرید افشار، دولتشاد غربی، کوچه تایباد، پلاک ۲۶ مراجعه کنند.

---

### گفت‌وگو با «بیتا وکیلی» به بهانه نمایش نقاشی‌های تازه‌اش در گالری «ماه مهر»

# «شهریور» نمادی از همنشینی شرق و غرب

شهرام پایور

**چکش «یوسی پیلکانن» چهارشنبه شب ۳۰ فروردین، برای ثبت رکورد ۴۵ هزار دلاری اثر تازه‌ای از «بیتا وکیلی» با عنوان «رویای نیویورکی» به میز حراج سالن گودفین امارات تاورز دوبی، ضربه زد. «بیتا وکیلی» پیش از این هم تجربه پنج بار حضور در حراج کریستیز دوبی را داشت ولی در دوازدهمین دوره حراج کریستیز، اثر جدید او از مجموعه «شهریور» رکورد تازه‌ای برای این هنرمند جوان ایرانی برجای گذاشت و اثر او را به عنوان گران‌ترین اثر زن ایرانی به جامعه هنرهای تجسمی معرفی کرد. اثر وکیلی در این دوره حراج کریستیز با تفاوت ۱۰هزار دلاری نسبت به سال گذشته روبه‌رو بود. در این موقعیت و درست دو روز پس از معرفی وکیلی به عنوان گران‌ترین زن هنرمند ایرانی، نمایشگاهی با عنوان «شهریور» از آثار جدید این هنرمند در گالری ماه مهر برپا شد. از خصوصیات آثار این دوره بیتا وکیلی می‌توان به در هم تنیدگی همیشگی رنگ‌ها، پیچ و خم خطوط نرم و لطیف، فیگورهایی که این بار مجال بیشتری برای بروز یافته‌اند و کلاژهایی از فلز و اشیای زرق و برق‌دار نظیر پولک اشاره کرد. او تضاد و تقابل میان سردی و گرمی شهریور را با دنیایی از فلز، رنگ و نقش روی بومش عیان کرده است. در یک روز اردیبهشتی و در هوای پاک و لطیف بهاری با بیتا وکیلی درباره «شهریور» به گفت‌وگو نشستیم.**

**«شهریور» عنوان تامل‌برانگیزی برای نمایشگاه نقاشی انتزاعی است. از انتخاب این نام بگویید؟**

نخست آنکه باید بگویم من این مجموعه را از شهریور ماه آغاز کردم. در تمام طول کار کردن، روی این آثار، در ذهنم به دنبال عنوانی برای این مجموعه می‌گشتم، چیزی فراتر از یک نام. در حین کار، کلمات و جمله‌ها، زمزمه‌کنان و بی‌اختیار در فکرم جاری می‌شد، گویی نه‌تنها با مخاطب بلکه با چیزی در درونم گفت‌وگو می‌کردم. من نیاز به عنوانی کامل و جامع را حس می‌کردم که مجموعه من را تحت تاثیر قرار دهد. تجربه سفری که در همین ماه به نیویورک داشتم، آغاز این راه بود. سفر، خود برای من همواره تداعی‌کننده، جدا شدن، بود. من انسانی اینجایی هستم، در سفر همیشه مسافرم و منتظر رسیدن به مامن، به جایی که ریشه‌ها در آن پا گرفته و از آن آب می‌خورد. پس از بازگشت، این مجموعه را آغاز کردم. در بینابین و کشاکش، غربت و خاطرات خاک شناور بودم، این حس برایم عین تجربه شهریور ماه بود. گنگی خاصی که بین ظهرهای کشدار تابستان و خنکای وهم‌آلود آغاز پاییز، شناور است، به مانند تجربه فضای بیرونی و درونی من بود. راه رفتن در خیابان منهتن، در میان آسمان‌خراش‌ها، یادآوری ۱۱ سپتامبر، حس تعلیقی که میان تابستان و پاییز در سپتامبر موج می‌زند، شهریوری بودن، عنوان این مجموعه را برایم مسجل کرد. در عین حال شهریور تمثیلی از فاصله دو نیمه سال است. شهریور مرزی را در ذهن مخاطب تصویر می‌کند.

**خصوصیات بارز «شهریور» به عنوان یک مجموعه نقاشی آبستره چیست؟**

در مجموعه «شهریور» رفتار ماده روی بوم که در گذشته به صورت اتفاقی شکل می‌گرفت، همراه با کنترل و دخالت بیشتری نقش بسته و در بسیاری از قسمت‌ها رنگ روی بوم، گذاشته شده است. نسبت به کارهای دوره قبل، که در آن فرم‌های فیگور مانند به تعداد زیاد و پراکنده وجود داشت، در اینجا فرم‌ها نمایان‌تر و کم تعدادتر هستند. به طور خاص، فیگور زنانه و فرم جنینی هم‌نشین آسمان‌خراش‌های بلند و فشرده نیویورک زیست می‌کنند. شهری پر از صدا و ازدهام، در چنبره از ساختمان‌های فلزی سر به فلک‌کشیده که با نور و رنگ بزک شده و این کار با استفاده از فلز و پولک و کاغذ خورده رنگین، همراه با اکلیل در تابلوها نمایان است.

بافت شهری در حاشیه بوم‌ها، پایین و بالا یا در یک طرف بوم قرار دارد. در کنار آن، فرم‌های فیگورمانند، زنانه و جنینی در بستری از رنگ‌ها و بافت‌هایی آشنا که با فرم‌های چرخان و پیچان به وجود آمده‌اند، دیده می‌شوند. این موقعیت دوگانه که از لحاظ بصری نیز در کارها به چشم می‌آید، نگاهی به موقعیت من در سفر یا ما در دنیای امروز دارد که از طرفی پا در ریشه‌ها، خاک و خاطره داریم و از سویی در تکنولوژی و هجوم بی‌امان دنیای مدرن امروزی سرگردانیم.

**دو سال پیش وقتی با هم گفت‌وگو کردیم به نظرم فاصله نقاشی‌هایت با زمین بسیار زیاد بود. نقاشی‌هایت به فرم‌های کهکشانی تنه می‌زد و از سویی دیگر جلبک‌ها و گیاهان سبزی که به نشانه موجودات زمینی در آثارت کلاژشده بودند به کارها زوایای معناشناختی بیشتری می‌بخشید. اکنون در کارهای تازه‌تان احساس می‌کنم فاصلات با زمین کمتر شده و فلزهایی را به نشانه تمدن امروزی در آثار کلاژ شده است.**

بله درست است، تغییرات در المان‌های واحد را می‌توانم به عنوان یکی از مهم‌ترین وجه تمایزات این دوره، با دوره‌های قبل نام ببرم. به عنوان مثال، کلاژ مواد مختلف منجر به ایجاد جلوه‌های جدید بصری و همچنین غنای مفهومی در نقاشی‌ها شد. در نمایشگاه قبلی‌ام از کلاژ مواد طبیعی، مثل گل، برگ و خزه، در کنار یا روی فرم‌های جنینی که روند زندگی در بستری مادی و بی‌جان را یادآوری می‌کرد بهره گرفتم. حال اینکه، کلاژ در این مجموعه، با استفاده از فلز، بخش دیگری از همین زندگی را به تصویر می‌کشد. زندگی در جریان است و هر دوره برشی از تجربیات و برداشت من از همین زندگی است، که بنا به نیاز برای به تصویر کشیدن آن، چه از لحاظ مفهوم و چه از لحاظ بصری، مواد و مصالح جدیدی را به نقاشی‌ها وارد می‌کند.

**در کارنامه هنری خود، چند دوره کاری را پشت سر گذاشته‌اید؟**

در مورد دوره‌های کاری، فکر می‌کنم مرزبندی کار آسانی نباشد، اما طی ۲۰سال گذشته که پیوسته با نقاشی زندگی کرده‌ام، سه دوره کاری برایم متمایزتر است. دوره اول که از اواخر دانشگاه آغاز شده و تا اوایل دهه ۸۰ ادامه یافت. دوره دوم که تا حدود سال ۸۷ به طول انجامید و دوره سوم کارهایی که در چهار سال گذشته شکل گرفت. حالا مفصل در مورد این دوره‌ها و تفاوت آثار خلق‌شده در هر کدام توضیح می‌دهم. دوره اول، شامل تجربیات دانشجویی، توجه به طبیعت و فرم‌ها و اشکال موجود در طبیعت، کوه، درخت، دریا و سنگ که با نگاه خاص من به صورت زمینی و از نمایی نزدیک، خلق شده‌اند. تکنیک تمامی آنها نیز رنگ روغن روی بوم بوده است. برشی از طبیعت در قطع کوچک با قدرتی محدود در سایز و اجرا، از ویژگی‌های آثار این دوره است.

دوره دوم اما با گسترش و اوج گرفتن ارتفاع دید من از زمین به آسمان همراه بود. در ارتفاع بالا، طبیعت کلی‌تر دیده می‌شود و در آن ارتفاع فرم، به وضوح دیده نمی‌شود، بنابراین کارهای این دوره کاملا انتزاعی هستند. در این دوره عطر و طعم فضا، گرما و سرما و همینطور تغییراتی چون باد و باران، شب و روز، پدید آمدن و از بین رفتن سحابی و کهکشان‌ها، به درون نقاشی‌هایم راه یافتند. از آن بالا که نگریستم، همه چیز پوشیده از مه و رنگ‌های سرد بود، آنچنان که بر چشم‌ها، پرده قرار گرفت که همه چیز را مه‌آلود می‌دیدم، از آنجا دیگر رنگ‌ها از جرم بسیار کم و رقیق برخوردار بودند. ابعاد بوم به تدریج بزرگ شد تا جزییات در بطن کل بزرگ، بیشتر نمایان شود. در گوشه‌ای کوچک از این بوم پهناور، که رنگ‌های سرد در آن شناور شدند، گاهی اشاره‌ای ناچیز به تک‌درخت ظریفی، نگاه مخاطب را از اوج به پایین و زمین می‌آورد؛ تک‌درختی محزون که با ترس و شیفتگی، به دنیای عظیم پیرامونش می‌نگریست.

دوره سوم، به نوعی بازگشت تدریجی به زمین بود. با نزدیک‌تر شدن به زمین و کم شدن ارتفاع، رنگ‌ها غلظت و تنوع بیشتری یافتند و فرم‌ها با وضوح بیشتر به نقاشی‌ها راه پیدا کردند. زندگی زمینی سرشار از شور و حرارت و حرکت است، که انسان منشاء این انرژی است، برای رسیدن به این مفهوم و تصویر آن، نه تنها تضاد و کنتراست رنگ‌ها و تنوع مواد گوناگون مورد نیاز بود، بلکه برای بیان آن به سوی استفاده از مدیوم‌ها، موم، قیر و... و همچنین استفاده از کلاژ در کارهایم کشیده شدم. وجه تمایز این دوره، با دوره‌های قبل از آن، تغییرات در المان‌های واحد است. به عنوان مثال، کلاژ مواد مختلف منجر به ایجاد جلوه‌های جدید بصری و همچنین غنای مفهومی در نقاشی‌ها شد. کلاژ مواد طبیعی، مثل گل، برگ و خزه، در کنار یا روی فرم‌های جنینی، روند زندگی در بستری مادی و بی‌جان را یادآوری می‌کرد. حال اینکه، کلاژ در این مجموعه، با استفاده از فلز، بخش دیگری از همین زندگی را به تصویر می‌کشد. زندگی در جریان است و هر دوره برشی از تجربیات و برداشت من از همین زندگی است، که بنا به نیاز برای به تصویر کشیدن آن، چه از لحاظ مفهوم و چه از لحاظ بصری، مواد و مصالح جدیدی را به نقاشی‌ها وارد می‌کند.

**در مجموعه «شهریور» حریم میان رنگ‌ها مشخص‌تر شدند، حتی در جاهایی این مرزها با نخ و ابزار کلاژ، نماد بیشتری پیدا کردند. آیا برای مرزها اهمیت بیشتری قایل شده‌اید؟**

من فکر نمی‌کنم این تعریف خیلی قطعیت داشته باشد. در مورد مجموعه «شهریور»، برداشت و احساس من این بود که به روی بوم آوردم و سعی کردم که در این مجموعه این را به تصویر بکشم ولی این ملاک نیست که اعتقاد من واقعا به جدایی مرزهای جغرافیایی به شکل تعریف‌شده و کلیشه‌ای باشد. فکر می‌کنم این نگاه خیلی کلی است و در شرایط مختلف معنای خاص خودش را تداعی می‌کند. هدفم بیشتر در کنار هم قرار دادن این دو فضا بود، نه مرزبندی میان آنها. شاید به نوعی آشتی این دو فضا، در کنار هم بودن آنها با وجود تفاوت و گاهی هم تضاد. می‌خواستم، هم از لحاظ بصری و هم از لحاظ بار عاطفی و مفهومی این دو فضا را در کنار هم بگذارم. گاهی آشفتگی‌هایی در مرزها به وجود می‌آید ولی در عین حال وقتی با فاصله به آنها نگاه می‌کنیم، ، این مرزها و... همه بخشی از زمین و بخشی از همین زندگی هستند.

سعی‌ام بر این بود که عواطف و بازتاب موقعیت یک انسان در فضای شرق را که با خون و روحش عجین شده با بافت‌ها و فرم‌های نرم در تقابل با فضای سرد و ایستای غرب به تصویر بکشم. این شرایط کاملا احساسات دوگانه را برای من به وجود آورد. قرار گرفتن در آن محیط بسیار شگفت‌انگیز بود و زرق و برق، نور و رنگ و اصوات و نئون آنقدر جذابیت بصری داشت که به نوعی آدم را در لحظه محصور خود می‌کرد. در همان شرایط احساس دیگری سراغ آدم می‌آمد؛ اینکه حس می‌کنی توسط این دنیای مدرن سحر شدی که این احساس با حزن و گرفتگی خاص همراه است که به محض لحظه‌ای درنگ و برگشتن به درون، خود را نشان می‌دهد.

این حس نوستالژی و دلتنگی برای خاک همیشه در من وجود داشته است. همان‌طور که گفتم من انسان اینجایی هستم و شور زندگی‌ام را از این سرزمین می‌گیرم، به همین دلیل این واکنش درونی بدون اینکه بخواهم همیشه با من بوده است. من قرار، ثبات و آرامش و اینکه روی زمین ایستادم و معلق نیستم را از اینجا دارم. بنابراین معتقد به مرزبندی‌های جغرافیایی نیستم و بیشتر سعی کردم، شخصی با این قضیه برخورد کنم، یعنی به واکاوی عواطف خودم در مواجهه با آن شرایط پرداختم.

**استنباط من از آثار شما این بود که در میان زرق و برق دنیای مدرن و برج‌های سر به فلک‌کشیده غربی که با کلاژهایی از فلز و پولک نشان داده شده‌اند، خطوط و فرم‌های نرم، منحنی و درهم‌پیچیده خبر از دنیای مهربان و عواطف شرقی می‌دهد. نظر خودتان در این‌باره چیست؟**

باید بگویم بله، برای من همین‌طور است، ولی نمی‌توانم در این مورد حکم صادر کنم و نظر کلی بدم. اعتقاد دارم برای بسیاری می‌تواند برعکس این برداشت صادق باشد. به‌شخصه برای من این ویژگی وجود دارد و من احساس نزدیکی و امنیتی که از سر مهر می‌آید را از اینجا دارم. البته امنیت تعریف مختلفی دارد، ولی برای من امنیت، امنیت عاطفی و خاطره داشتن است، که من این امنیت را اینجا پیدا می‌کنم. این یک برداشت و حس شخصی است و نمی‌شود درباره‌اش کلی نظر داد.

عکس: شرق

**در بعضی از آثار مجموعه «شهریور»، فیگور زنی در وسط تابلو، درست در مرکز بوم قرار دارد و در کنار کادر، برج‌ها و آسمان‌خراش‌های آهنی را که تنها ظاهری جذب‌کننده دارند، می‌بینیم، در حالی که احساس اصلی در وسط تابلو خودنمایی می‌کند. آیا این زن نمادی از ایران و جامعه ایرانی نیست؟**

فضای ایران همواره برای من، منبع الهام و خلاقیت و زایش بوده، بنابراین نماد زن و فرم‌های جنینی که نشان‌دهنده خلق زایش و باروری هستند، می‌توانند به شکل ناآگاهانه به نوعی به ایران و فضای زندگی ما دلالت داشته باشند.

**در آثار این دوره رنگ‌ها، رنگ باخته‌اند. گویی از هیجان و التهاب‌شان کاسته شده است.**

بله، واقعا در این آثار از هیجان رنگ‌ها کاسته شده، حتی فکر می‌کنم این قضیه تا فرم‌ها هم پیش رفته است. به‌نظر می‌آید چون در نمایشگاه قبلی، از ارتفاع من نسبت به زمین کاسته شده بود، تجربه دیدن زمین و زندگی زمینی از فاصله نزدیک برایم بسیار شورانگیز بود و مثل کودکی برای بار اول، پر از شور و هیجان دنبال کشف فرم‌ها و رنگ‌های تازه بودم. این شور و التهاب هم در رنگ و هم در فرم بازتاب داشت. تجربه زندگی، یک سال گذشته فرصتی بود تا آگاهانه‌تر از فاصله نزدیک، زندگی زمینی و فرم‌ها و رنگ‌های درونش را نگاه کنم و به برداشت جدیدتری برسم، چیزهایی به ناگزیر حذف و چیزهایی نیز اضافه شدند، از شور، شتاب و التهاب اولیه مقداری کاسته شد و جای خودش را به تامل و انتخاب آگاهانه‌تر و آرامش بیشتر داده است.

**دو هفته پیش در دومین شب حراج کریستیز با ثبت رکورد ۴۵هزاردلاری، شما به عنوان پرفروش‌ترین هنرمند زن دوازدهمین دوره حراج کریستیز دوبی شناخته شده‌اید از این موقعیت بگویید.**

در مورد اثری از من که در دوازدهمین حراج کریستیز دوبی به فروش رسید، باید بگویم که با توجه به استقبال خوبی که از طرف بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان با سلایق متفاوت از این اثر قبل از ورود به حراج شده بود، انتظار فروش خوب را داشتم. البته درمورد اینکه قیمت کار من رکورد قیمت آثار زنان شرکت‌کننده در حراج را بشکند، خیلی فکر نکرده بودم. مسلما از این اتفاق خوشحالم و امیدوارم این رویداد موجب ایجاد انگیزه اجرا و ارایه کارهای بیشتر و بهتر از هنرمندان ایرانی و به‌خصوص زنان هنرمند شود. همچنین فرصت و دریچه‌ای برای حضور هنر ایران در صحنه‌های جهانی باشد.

---

مکعب سفید

### مروری بر نمایشگاه آثار فتوگرافیک صالح تسبیحی در نگارخانه «طراحان آزاد»

## نفتالین

امین شاهد

■ «صالح تسبیحی» در متنی با عنوان «خارج از محدوده»، که تیرماه ۸۲ نگاشته است، نقد تحلیلی در سرزمین‌مان را چنین دیده: «.. تاریخ مکتوب سرزمین‌مان، انباشته از ریسمان‌ها و آسمان‌های به هم دوخته‌ای است که به ایما و اشاره گفته‌اند و گذشته‌اند و بسا ناگفته‌های بسیار که میان شور و خرد در نوسان مانده...» در کارنامه‌ای مختصر از هنرمند، دانش‌آموخته گرافیک و همکاری با مطبوعات از سال ۷۶ در زمینه‌های تصویرگری، طراحی کاریکاتور و گرافیک برایمان آشکار است. همکاری با نشریات مختلف و هم‌نشینی با بسیاری از اهل مطبوعات از او یک ژورنالیست آگاه و تیزهوش ساخته است، آن‌گونه که این تاثیر ادیبانه در شیوه نگارش او به‌خوبی پیداست. آثار جدید «تسبیحی» را می‌توان از زاویه تاریخ تصویری بررسی کرد. ناگفته از رفتار و کنش‌های مجازی «تسبیحی» پیداست که دغدغه تاریخ معاصر دارد. تاریخی صد تا ۱۵۰ساله با تلاطمی مملو از پاشیدگی و تنیدگی. سال‌هایی که بی‌ثباتی در آن موج می‌زند، هرچند که پیش از آن نیز... و همراه با وقایع و تحولات جهانی (که تنها بازتاب و موج آنها را می‌نمایاند) رنگ اجتماع دگرگون می‌شود. اما ذات آن چه می‌شود؟

شاید درگیر بودن هنرمند به واسطه مشغله‌اش، کنجکاوی ژورنالیستی او را بر می‌انگیزاند تا با فضای سیاسی بیشتر آمیخته شود. آنچه مسلم است، کُمُد آبا و اجدادی لباس‌های خاطرات هنرمند، آغشته به بوی نفتالین است. در واقع این نفتالین ذهن ماست که از انحطاط خاطرات جلوگیری می‌کند و آن را باز می‌تاباند. در اینجا نفتالین می‌تواند جایگزینی برای برومور نقره در عکاسی باشد انگار. تثبیت عریانی احوال یک دنیا خاطره پنهان در تن‌پوشی تحمیلی. انسان امروز «تسبیحی» گویی همان انسان (ایرانی) ۶۰سال پیش است، با نگرشی سنتی به جهانی که در حال گذار از دوران مدرن، مات و مبهوت نگاهی به درونیات خود و دنیای در حال پیشرفت دارد. آنچنان که هویت فردی خویش را دود می‌کند. او خواهی نخواهی مجبور به انتخاب است، چون دوره دستی بر آب و دستی بر آتش داشتن گذشته است.

ادامه در صفحه ۱۵

---

جدول ۱۴۹۲

**افقی:**

۱ - شلیک کردن - رود جیحون ۲ - گناه - سرپرستی - فرمان کشتی ۳ - در شعر همراه قافیه می‌آید - اضطراب - طلای سیاه ۴ - منزل - ساختمان‌ها - بالا رفتن حرارت بدن ۵ - شکستنی ورزشی - نیم صدای گوسفند - بصیر ۶ - عاقل - جزیره ایرانی – و سنی ۷ - سوپ وطنی - سطل - بی‌نظم و قاعده ۸ - چوبه اعدام - جانوری نابینا - آلت موسیقی - میدانی در تهران ۹ - از توابع استان خراسان - آزاد - مکان ۱۰- عریان - شهری در چرخ خیاطی - جمع شهر ۱۱ - عقیده - ورزش مادر - سرکش ۱۲ - نت آخر - تلاش و تقلا - پایه و بنیاد ۱۳ - پنهان داشتن - معروف به خوبی - سرگرمی ۱۴ - یار عذرا - ویراستار - جایز ۱۵ - شغل شتر قصه‌ها - دلداده

**عمودی:**

۱ - نام یکی از آتشکده‌های ایران - جزیره دریای خزر ۲ - مزه فلفل - شهر عقرب - پدرمردگان ۳ - حمله ناگهانی - سالک و مسافر - یاری‌دهنده ۴ - واحد اندازه‌گیری ظرفیت خازن - از ظروف آزمایشگاهی - شهر مذهبی ۵ - بندگی - چوب خوشبو - گرفتگی زبان - بخیه درشت ۶ - چشم - با زداید - سلطنتی در لفظ انگلیسی ۷ - گرداگرد دهان - حرف مشایعت - مادر وطن - گدایی ۸ - مسابقه شعر - جهل ۹ - پیامبر صبور - زادگاه ناپلئون - کجاست؟ -از عناصر اربعه ۱۰ - زمزمه‌کننده - طبق دستور پزشک مصرف کنید - منسوب به خاندان امیه ۱۱ - ضمیر عربی - از حروف عربی - فلز رسانا - طاقچه بالا ۱۲ - زیر خاک پنهان کردن - باد پر گرد و خاک - متفرق‌ها ۱۳ - پایه - نوعی اسباب‌بازی - دو کس که با هم یک طعام خورند ۱۴ - پیدا کردن - ناخوش - برنامه ورزشی ۱۵ - بیدار شدن - کشیش بزرگ

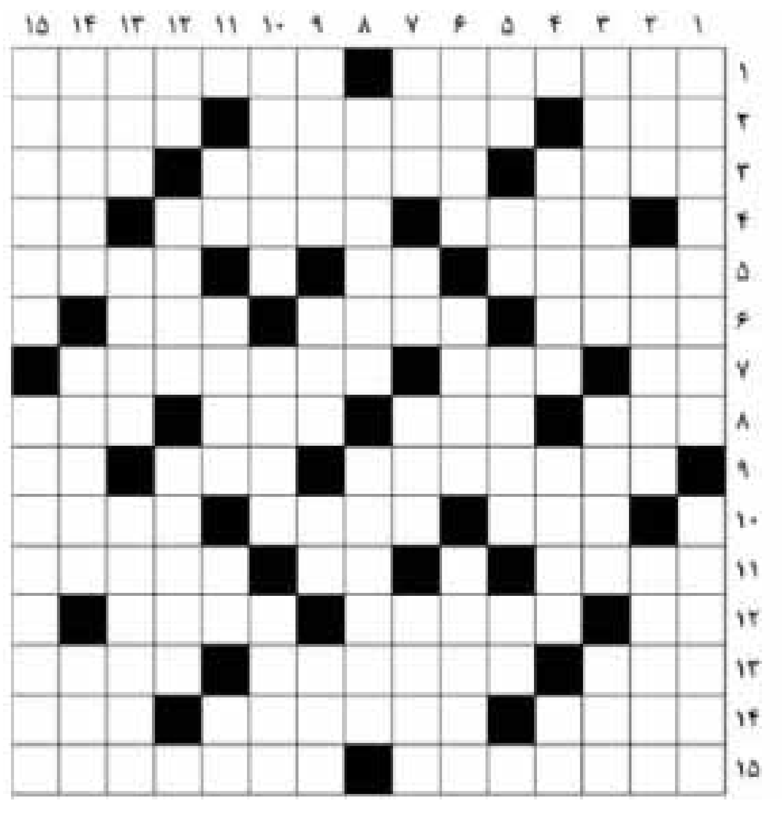

حل جدول ۱۴۹۱

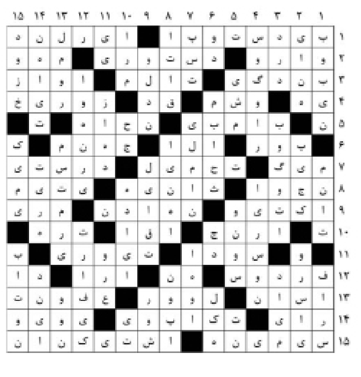

### سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۹۵

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | ۶ | ۹ | | ۷ | | | | ۲ |
| ۳ | ۸ | | | | | | | ۹ |
| ۷ | ۱ | | | ۶ | | | ۵ | ۳ |
| ۵ | | | ۴ | | | ۶ | ۹ | ۷ |
| | | ۳ | ۸ | | ۷ | ۲ | | |
| ۱ | ۴ | | ۲ | | | ۸ | | |
| ۸ | | | | ۴ | | ۵ | ۲ | |
| | ۵ | | ۶ | ۳ | ۱ | ۹ | | |
| ۹ | ۷ | ۶ | ۵ | | | | ۱ | |

حل سودوکو ۴۹۴

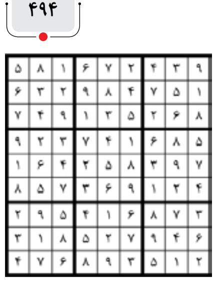

### قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۴۴

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۶ | ۳ | ۱ | | | ۷ | | ۲ |
| | | ۴ | | | | ۱ | ۳ | ۵ |
| | | | ۳ | | ۷ | | ۶ | |
| | | | | ۹ | | ۸ | ۵ | |
| | ۳ | | ۷ | | | ۹ | | |
| | ۵ | | | ۸ | | | | ۱ |
| ۶ | ۴ | ۹ | | | | | | |
| | ۸ | | | | | ۲ | | ۹ |
| | ۲ | ۱ | | | | | ۴ | |

حل سودوکو سخت